

مکتب بر مضمون (بسی سوط کرده ایم)

مقتای عزیز!

چندی قبل در سایت با مدار مشخص و پندار نشده، از بر عنوان (بسی سوط کرده ایم) اثر نویسنده توانا محترم فهم ادا، توجه ام را جلب نمود بعد از مطالعه مضمون بر اجم سوال بر این نظر بود که چرا نویسنده مضمون دنبال شطاری بوده است تا با استغاله از جنبهٔ «بسی سوط کرده ایم» از اتفاقا به همایش اندیشه و نظریات خویش بپردازد، در حالیکه هم مانند ده ها افق مکتب است میتوانست نظریات خویش را ارائه و پیشکش نماید. با مطالعه مضمون باز هم بر اجم سوال پیش آمد که ضرورت نوشتن و نشر چنین مضمون، آنهم با در نظر داشت اوضاع حاکم متشیخ بر حزب واحد که با انبار از بر ابلهها بسوی تدویر کنگره میرویم چه بوده است؟ و نظر میسر کند باز هم بازی سیاسی دیگری را در همجو سکر الخط بحرانی سیاسی میخواندند. سو احرار که نمایند. و چرا نویسنده میخواهد بار دیگر خط فاضل و یا (خط قرمز) را دوباره احیا نماید؟ آیا این نظر سوط به نویسنده است؟ و یا همانگونه که در مقال نشر یافته و نویسنده نیز در جای از مقاله صح (ما) استغاله کرده است ممکن یا نیز بتواند از هکت رهوی توانا اردبائی را نیز در قبال داشته باشد، به حال آنچه را که نویسنده اندیشیده است به باور من دیگر ضعیف ناوقت است که نخواهند با در مایل و مطالب را در الخط با پیونم حوض (گودهای شور ۱۳۸۵) دوباره بنام مرد عین و مخالفین از سر آغاز نمایند و از همان اتفاقا را که در همین موقع توجه تدویر کنگره است به جانب دیگر معطوف نمایند. به نظر من حکایت را که نویسنده تعریف نموده است بیشتر از دیگران بحال مضمون و نظریات ارائه شده نویسنده صدق نمایند برای من جالب است آنچه را که نویسنده روی انگشت و نظر خویش را ابراز نموده است، واقعا نمی دانم که کیکها جهت بهره برداری دنبال چنین برخوردی اند؟

جهت روشن نمودن ذهن نویسنده و آشنایی هنوز چنین میدانند باید یاد آور گردم که بعد از ایجاد ویس (نهفت فراتر) که زنده بود و همچو دریایی بیش به یکی از بنیانگذاران آن زحمات قابل توجه و بالاتر از توان را تا آخرین لحظات عمرش بر دوش کشیده فقط و فقط بر داشتن مرزهای ایجاب شده رسم گزیند (بسی سوط کرده ایم) مضمون و مخالفین پیونم حرکت بود چنانچه تعیین و کتاب نخستین تحت رهوی نهفت فراتر با ترکیب (۳+۴) دال بر این واقعیت است که دیگر مرزهای مشخص و اتفاقا در فضای کلامه انقیان معبره ضمایب از زنده در فراتر شدن نهفت از خویش باز دادند اما با این که در نبود آن شخصیت بزرگ با وجودیکه تعداد کثیری از رفقا بر فراتر بودن نهفت

تا کیدی در زمین فضای دیگر بپایگی آنجا فراتر صوتی گردید و نهفت فراتر
 جوان بجای فراتر شدن دست خوش کنه از آنها حراوت کن، زدن و کن، زدن آنها
 گردید که حتی از همان فضای موس و رهبری (۳+۶) تعداد آنها یا کنه زده شدن
 و یا بگوربان در رفتن گردیدند. بر علایق جهت او شن شدن ذهن نویسنده مثال دیگری
 را بر اینی دارد که مدارم آن است که: دستیاب و لقب دو مرتبه کن افق دارد
 از عبارات ابتدایکین همین نهفت فراتر و معنای بیست و نهمی بودای اربابانی حزب و اول
 به اتفاق آرا بیشتر آن نیست که معنای سواتن و معنای بیست و نهم ۱۸ در حزب و اول
 دیگر بیان یافته است و شکل در زمین وجود ندارد و آغاز زده و بیان آن جفا نیست
 از این هم نمیتوان گفت خاطر نویسنده و افرا هم نماید صاف نظر آنکه گنایا در نوشته خویش نیز کلام
 (آنانیکه به ره تاریخی خود و خادار مانند، بهای این باید اری را با اخراج از کار و زدن
 برداشته نیز شجاع بودند) بیشتر چه انتظار دارید، در حالیکه بدون در نظر داشت کلام
 اسناد از حزب اخراج، از وظایف سگدوش، این تعداد افقی جزال تمزق و تبه
 دیدند، تعداد افقی اخراج به شکل دیگری از انضامی بر سر بازهای سوق و به
 جبهات دایع اعزام، عدلی آوردن زنده آنها و تعداد نیز هم مانند افق خلیل خسرو
 بوده افق دیگر به جوشهای مرگ او اند شکرند، چه جرم را آنها رنگ شده بودند؟
 جرم تن اصولیت و دفاع از اصولیت و جلوگیری از توطئه قبیل سازان یا خسته ریم کوشی
 بوده است. در اینجا بل نیز گردیدیم که مشاوت و تقارن در برابر بیست و نهم صحت آنطوریکه
 نویسنده تحلیل در آورده است نمونه ملاک مشاوت و ایست دگی آنها در برابر مدخله سیرج
 ریم تبهکار گنایا ^{علاوه بر} رهبری خود را در زنی و ویکیو پیتر و بیج که اتفاقات خفت
 کانی در موردشان در آورده و گنایا شده گان گوش بویان در ضمن شان و یا بهتر بگویم برای
 آنا نیکه از جانب ویکیو پیتر و بیج و علی است منشی ^{علاوه بر} حزب را حاصل مکتوب بودند و
 برای رسیدن به آن از صحت کوشی در سنگزاری و آستان بوسی در بلخ نور زیدند و با
 ابراهیم اطلاعات جبهاتی زینت تدویر بیست و نهم و تغییر رهبری را میباید نمود باید گفت
 افقی که در برابر ریم کوشی با صفت او غلامان داخل آنها که حزب رهبری را میدیدند
 رفتند خستهها بخود می بایزد بلکه افقی نیز میبایزد که هیچگاه زیر بار شکنج آنها با وجود و صفا
 حتی عمارت کوشی که او از طرفت اند و ضرورت بر تقاضا کنایه نیز ندارد زیرا افق و ریم کوشی
 نمود و هیچگاه هم انتظار فرس کردن خالین سرفراجه زیر بار و یا آنگونه که دیگران
 علاقه تقاضا و و یا است بودند و با از راه از همان محدود و بیرون ریم تمام ندارد اند
 حالیکه سایر افق در گنایا جبهات بیست و نهم رهبری از سوی القادری از نوادگان علی

گهور دفاع گوردن و صدک افق زندگی خود را فدای آسایش و تیران نمود سبیل از معلولین و سحر او با صداقت به آرمان مقدس تنان بی گنا اشتند .

در قسمت اینکه در این روزهای کارزار دشنام پراکنی ، توهین ، تحقیر و حق دور از همه مرزهای حزبی و دروغا لیبکی تجمی روز به حرم شکنی افراد که نه تنها یک عمل کاملاً ناجوانمردانه بود بلکه در دراز آداب انبیت نیز میباشد و سوال مطرح میشود که آیا ماهمان پیشتر از آن در روز جامعه هستیم ؟ آیا ماهمانیم که میخواهیم انسان ارباب دلخوشه برای جامعه باشیم ؟ اگر چنین بوده است واقعا ما در کجای سقوط کردیم .

در قسمت دیگر نبش آمدن است (گزسایت) آدرسش سینه به سینه می آید (برای من واقعا جالب است که در او با تعدد با استغاف از بیگانه گزشتن اتفاقا مورد نقش و باره چوبی قرار گرفته و یا میگویند (یک وزیر صکرت الفوی گزشتن که این وسیله را در خزانه امانت نهاد و آنجایی که مخالف دولت است) برای من بیگانه جدید است زیرا سالها نور بر نبشته و دریا معلوم نشد معنی را در سایت حزبی ما نه همدستیم و اما اینکه یک وزیر سابق دریا موفق حق مطالعه همو سایت که را ندارند و اگر از جانب افق وزیر سابق مطالعه آن صورت گیرد باید بگوئیم (که مادرگی سقوط کرد ایم) واقعا فرحک بود این صدق میکند که بگویم (یکی سقوط کرد ایم) که حتی حق مطالعه از این باید گرفته شود ، و اینکه کی ها حاصل آید چنین سایت ها اند و چه اینکه با غنا گزشتن است از آن پیش باید بدون سر و صدا گزشتن

نویسنه با وجودیکه دشنام پراکنی را محکوم مینماید ولی خود آن نوع واقعا بخیرا که موافقین بیگانه صورت پذیرفته است با استغاف از یک (بی عرضت) مورد توهین قرار دادن آنرا در صحن نبشته افق اصولی بطور نرسیده است بعد از خود قاضی شد آنها را بیعت تجمیع معنی مینماید دهانند (قاضی که به شتم و شک می گوید هر دوی آنها است بیگانه تحقیق کومی سوال کرد جناب قاضی این چگونه نفی است گفت تو هم راست می گوید) بهر حال باید گفت که به استثنای چند فرد محدود از موافقین درجه یک بیگانه صورت که بتاسی از همدست (تیم تنها گزشتن) بی وجهانه در برابر افق برخورد نمودند سایت و نشانه همگونی بر ایدم با صحن نداشتند و ندارند

نویسنه آنچه را که در اول الامر با برداشت افق نگاه داشتند از دورگراسی تنها کار دادند است که تو یاد رک و رفت از دورگراسی همانا علاوه در دروازه « چینیانه » در و خا دروازه ۱۱ بود و بر آن تکیه میکنند فکر مینمایم اخشته کف لبون نمی خواهد در اینجا به توفیق دورگراسی بپردازیم ولی باید گفت که برداشت افق از دورگراسی همان توفیق است که دورگراسی است که با تأسف به استثنای نام آن در حزب ما چه در دیروز و چه در امروز وجود نداشته است

چنانچه مضمون نامه نیز گویای برداشت آرزو در کراسی است ولی گنا جدا خواهد بود از فهم
 تا در آینده حزب جدید باید بر نفس معیاری دموکراسی استوار باشد.

اما آنچه را که در رابطه با کودتای ۱۳۶۵، در نشسته خونی یادآوری نمود این
 (کودتای ۱۳۶۵ بر سبیل مصداقی برای پایداری بگویی که از روز اول در برابر
 این لغصه به باخاسته ای و تا امروز از جرات تلان نخواهد می اما چه وادارت
 می دارد که این لغصه را کودتای بنامی)

از آنجایی که نظر خود نزد من گرم است به نظر شما نیز ارجح میگذارد ولی کوالی را
 که مطرح داشته اند باید به جواب آن پرداخت.

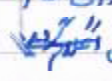
به نظر من نویسنده کمتر از جریان در ویدادهای قبلی و بعدی مینوم هر که هم نمیکند فرزای
 ۲۰۰۲ دیدوز اطلاع دارند و عیات بد صم دو آثرمان در کشور نبودند بهر حال جهت
 مزید معلوم نویسنده در رابطه با کودتای ۱۳۶۵، به این بخش از یادداشت
 دقت کرد و قدر انوار فرزام دشت نه بی نام (.....) واقعت این بود که آنچه نویسنده و
 شهید دو کشور نجیب الله میخواستند برای دادن اطمینان به ایالات متحده امریکا، گروه
 های غربی، پاکستان و مجاهدین چنین وانمود سازند که با تمام سیاست های دوران
 زنده یاد بزرگ کارمل و با تمام کارهای و نفوذ آن در حزب و دولت تصفیه
 حساب بعمل آمده و یک سیاست کامله جدید اروپا است گرفته شده است.

به منظور از تهدید، تحویل، زندانی شدن و عزل علاء محمدان زنده یاد
 بزرگ کارمل و متخاصم کردن، حتی دو کشور نجیب الله تا آنجا پیش رفت که تمام
 لائور به مقر شورای انقلابی رفته و اعضای خانواده زنده یاد بزرگ کارمل و لاور
 عدم موجودیت خود او به زندانی شدن و تبعید از کشور تهدید میگردد) جهت معلوم
 بیشتر به نشسته افش فرزام که عنوان (ابر مرد و خادار به اندیشه و تفکر
 اهالی بخش و وارستان و وابسته های بی مادی دنیا) مورخ ۱۲۹ / ۲۰۱۰ شماره
 سایت فرزند آریایی مراجعه فرموده به یقین اسناد بسیار دقیق است خواهد آورد.

بهمانگونه نقل قول را از یادداشت های محرمه الکامین دستگیر پنجمی که در
 ۱۱ فصل درمی ۲۰۱۰ در همان سایت جلشرامین است جهت آگاهی نویسنده در آن
 نیامد. (در شب ۱۳ / ۱۳۶۵ خورشیدی بر ضد کارمل فرایند کودتای سفید
 آغاز گردید و نزدیک به (۲۰) تن از فعالان سیاسی و اعضای کمیته مرکزی هوادار
 بزرگ کارمل گرفتار و قهر کلانی در آنکجه همی انتقال یافت و زیر نظر است آزادگشته ما
 همینان محرم پنجمی در ادامه یادداشت مینویسد که: (در صلبه مینوم کمیته مرکزی در دنیا
 هر نام

در قمر دلت رفتی سر بلند کز فغانی انحصاری و غدا را به بیرک کارمل و بر خیزد نایب
 هنجار علیه آنان را در بازی کودکانه و یک خمیه شب بازی «ارزیایی کرد» ایلیان
 آن سرتگ مرد گشود ما که سه بلند زیت و دستوار همو کوه به در هشت ادا در دلاوی و کرا
 در بیونم سخن گفت و بختها بدو بر آن بازی کودکانه و یک خمیه شب بازی ارزیایی خود انوار
 می بود درین زمینه ابراز نظر میکرد یاد و رفتی تو می ما سپر بلند چاودان باد .

در بحثی دیگر محرم دستگیر نشستی چنین توضیح میدهد: (در ۱۲ تیر ۱۳۶۵ شماری از فعالین حزبی
 نظامی کنان داخل ارتش جمهوری شدند. ملاقات و خزان علیه کرباجف و دو کتوای نجیب انور
 تجاری سیاسی خود را با باند اسرا بلند کردند و از موضع بیرک کارمل باغی برانقلابی
 پیشانی صورت گرفت و این اظهارات در رسانه های گرومی بنی الامم انتشار یافت و کابا
 تاسف با مخالفان کودتای چیان مراجع میشوند ، هر دو دروازه قفل زده میشود پیش او و عقب
 دروازه ها و سلاطین اظهار کورتا چیان موانع ایجاد مینمایند ، انجا هجوم میبرند به دروازه های
 درگاه بالایی کونند ولی ارتش را به سرتگ مانده اند اخترا شده نازندانی میشوند .)

(والری تگ پکوف) توانند آن کورسی کودتای چیان مینویسد: (در ۱۲ تیر ۱۳۶۵ جمعیت
 خشمگین به قمر ریالت جمهوری هجوم می آورند مردم بر آشفته و خشمگین هستند که کرباجف
 نجیب و اجانشین بیرک کارمل نمود ، گارد ملی دروازه های قمر ریالت جمهوری را با وسایط
 با و بری و تفلیه نهادار توانست سدود نماید ، می خفتین گارد در چهار صف ایستاد بودند
 و کمانها که به داخل رخنه میکردند دوباره به خارج پرت میکردند ، با گفتند که در بر چهار قرار
 در کتوای نجیب و اجاره بنیت سرهای خود را از پنجره ها بیرون بکشیم ، کندک ما تو بیاید
 (۱۵۵) لغز طبع بود ، ۳۰ حین مائین محاربه ای ، بویک راکت انداز و بر ستون دفاع
 هوا که تمام وقت روی پشت بام همراه با راکت های آسمان پروریم . با بهر تریب نوین
 می توانیم بهت معلوم فرید به کتب (دنیسی پیروی خاطر می) اگر رفتی صالح هر زیری عفو بود
 سیاسی و منشی کتوای ۲ و ۱۰ دده کتب نوشته نوینده گان داخلی و خارجی و رساله و کلا
 بنجده کتب (کودتای خا شور دوس و نجیب) نوشته لاک مسود که در میزان ۱۳۸۹ خورشیدی
 بدلت نشر شده شده و از سران کودتای چیان پرتز نام برده شد است مراجع نماید که من از
 ذکر مسادر اینجا صرف نظر می نمایم بنا به خاطر این نام آنا شده متفاوت و این دوی در برابر
 قیوم کرباجف نمودند و حلقه غلامی را بر گوش کوه زبان نکرده و کتوای صورت قبول آن دیتو
 ضرورت بر شد و بیونم و نیز لازم بود میدانشند که چنین آنگونه را کتوای مردم مادر قبل طار
 اکها بخوانند مانند کتوای چون تا جت ان بدو نماند کتوای ویران کرد و هزاران مردم
 بی وقایع ما بخت و خون کشانیده بود قدرت را با دیگران شریک سازند از آنجست 

بناظر ابط و ضمانت های سیاسی اعلام نمودند نه معانی را که توافق صورت گرفته بود که باید فرار نماید.
 سوال بر این است که چه چیز نویسنده را وادار است حتی تا با در نظر داشت مطالب اندکی که در زمینه
 کودتای ۱۳۴۵ ارائه گردید به سادگی بگذرد و بنویسد که آنهم مانند ۱۷ میونم دیکریس میونم
 بود و خود را در مسند صفات قرار دادند و قرار حکم خویش را اعلام نمایند.
 از نظر نویسنده این توانا و با درک بودن اکنون عفو صحت و عقیدت بودالی اروپائی حزب واحد نیز نباید
 بهتر می بود که در هم شریک بود که توانای اروپائی حزب واحد با آن دست و پنجه نرم میکنند جهت برکنار
 رفتن از وضع چینه بندی و دیوار شتهای ایتقان و توتر و آزارانی خود در حالیکه نه این بن و نه هم
 سایر اقلی غیرتحت اسیب بودالی اروپائی چرا آنانیکه میگرداند وجه آنانیکه قطع رابطه از صحت است
 توانای اروپائی گرداند خود استند و نتوانند معضلات موجود را در فضای رفیقانه حل و فصل نمایند
 باید گفت که در این عرصه مسوولیت صرفاً متوجه رئیس بودالی اروپائی نبوده بلکه همه اعضای صحت استند که
 در وقت ذکر شد در برابر اقلی سازمان اروپا چه ایگو میباشند. بهر حال میتوان از حلقه منته
 نویسنده عزیز مطالب زیادی را استنباط کرد ولی من تصور نمیکنم که به سوی چهار مطلب آن در نامه تا بجم
 در نویسنده نظیران بیدار با صدمات تمدنی و فرهنگی است تا نقش سیاسی و چهره گرایی حزب زنده یاد اینج
 بزرگ کارمل با زیر سوال بیورد و در وقتش بر عدوه شکر کند و اعضا حزب و کمیته مرکزی از ۱۴ غن
 بیروی یکی یاد آور گردیده است که من با حقا حوت به تک تک از این اقلی گرای که هر یک شخصیت بزرگ
 نظیر در بحثی مسوولیت های کار خیش بودند و صحتگونه که نویسنده تذکره داد است واقعا میگزینند
 از جهت همه کاره بر آید و حدمات از نظر را نیز انجام دادند ولی با این موافق خواهد بود که با وجود
 موجودیت اقلی گرای مستقیم نمیتوانند هر ۱۴ رئیس را بصورت جمعی سرپوش برای دنیا
 بی سرپوش حزب بگردانند و با صحت هم که لایق با مسوولان چار است و شما به سوگند و دوگانه ببال
 کمی متوسط کرد.

۲- نویسنده تا بدم ناخود آگاه خورده است تا جنایات تیم گریچف را در افشای و سایر کورهای
 هم میبانی که جهت خرتنودن امپریالیزم انجام داد است همه گفته اند.

۳- بنا بر تصور من که تریا نیزین خواسته است تا بگونه از اقلی گرای نورالهدار و داد و در زمین که کند
 در جهت و هم کاره ای میونم هر که هم بوده اند دفاع نماید که به عقیده من هر دو روش عزیز یکی با بزرگ و کاره
 دهنده و دیگری بیست و بیسی اروپائی حزب واحد در کنار رفتن قرار دادند.

۴- صحت و گمانه های وجود دارد که تعداد از افرا با استفاده از نام اقلی فقیه در حزب خرتنودن ابلا
 میتوان تأمین نمایند که ظاهری آنها درین رابطه گمانه های واقعیت تبدیل میسازد و به عقین کاره از جهت حزب
 آغاز گردیده است. نویسنده آنچه را که در این مضمون (عبارات مکتوب خودی یا یاد آور شده است آنرا اجرا نماید و در حقیقت
 نمی توانیم آنرا صحت دهیم. بهر حال اگر نویسنده خواسته است تا این نظریات را برای حزب از همان عرصه
 از آنکه لان حزب اروپائی نباید جز تکلیفی بیسود چیزی دیگری نبوده است ولی آنچه را که در مورد کودتای ۱۳۷۱
 از آن یاد نمودن باید با وجودیه فقط در محدود یک جهت است امیدوارم آنانیکه مورد نظر شما اند و اکنون نیز
 در مورد سال ۱۳۷۱ در وقت آن کارواند.

با دروهای رفیقانه
 سید عسکر نجم از برلین